



یادداشت هفته

5/6/2018-10/6/2018
15/3/1397-20/3/1397

محمد الله وندوست

یک : سال های طولانی مردم از رهبران دینی تقاضا داشتند تا موقف خود را در برابر ترور ریستان و ادم کشان طالبی ، داعشی و دیگر انواع و اقسام آن روشن نمایند. اما این عالیجنابان بهیچ وجه از جا تکان نمی خوردند و به سکوت مرگبار فرو رفته بودند. اینک در هفته گذشته در خیمه بزرگ لویه جرگه بالاخره بعد از چند دهه ، توفیق یافتند تا در جلسه وسیعی اعمال ترور ریستی و انتحاری مخالفین را تقبیح و آن را غیر شرعی و ناپسند اعلام بدارند.

با آنکه اعلان موقف علمای دینی بعد از تاخیر چندین دهه صورت گرفت با آنهم این حرکت می تواند گامی مثبت محسوب گردد. اما نکته قابل تذکر در این مورد اینکه رهبران جهادی ، این تیکه داران دین و پیشوایان جهاد در این اجتماع بزرگ کمتر دیده می شدند و چندان نقشی نداشتند . چهره های همچون شیخ الحدیث سیاف و یا شیخ نام آوری همچون آصف محسنی و دیگران حضور نداشتند و موضعگیری خود را مشخص نکردند. حتی کسانی همچون گلبدین حکمتیار عمل ننگین و غیر دینی انتحاری را بنام استشهادی مشروع و درست تلقی نموده از این عمل پشتیبانی خود را اعلان نموده است.

مسئله دیگر اینکه موقف علمای دینی نه تنها مخالفین را به تمکین و نداشت بلکه آنان با فرستادن مزدوران انتحاری خویش در مدخل خیمه لویه جرگه فاجعه آفریدند و به فتوای آنان پاسخ منفی ارائه داشتند . طالبان نشست علما را پروژه امریکائی خواندند و بدان وقعی نگذاشتند. در چنین حالت معلوم است چنین فتوا ها و توصیه های اخلاقی هیچگونه کار آئی مثبت نمی تواند داشته باشد . پلان سازی ارگان های دولتی در تحقق این فتوا ها که از جانب رییس جمهور هدایت داده شده نیز جز مصرف تبلیغاتی هدف دیگری را دنبال نمی کند.

یگانه راه قاطعیت و آماده گی کامل در برابر تروریستان و کشف مراکز تجمع و سوق و اداره آنان در داخل و خارج کشور و ضربه پیهم به لانه های آنان است و بس!

دولتمردان ما اگر برای تقویت تروریسم و دوام وضع موجود تعهدی به بیگانگان نسپرده اند، بایست با قاطعیت فعالیت های خرابکارانه تروریستان و حامیان آنان را خنثی و با جلب توده ها در امر دفاع خودی و تقویت ارگان های کشفی و امنیتی مسوولیت خود را صادقانه ایفا نمایند و کشور را از وحشت ترور نجات دهند.

دو: خبر خوش در هفته گذشته اینکه زیر پل سرخ از وجود معتادان و خانه بدوشانی که سال های طولانی آن جا را منزلگه خویش ساخته بودند پاک کاری گردیده است.

این خبر گرچه خوشآیند و امید وار کننده است اما عمق فاجعه اعتیاد و عدم توجه دولت را در برابر سرنوشت آنان نیز بر ملا می سازد و سوالاتی را مطرح می کند.

آیا این هموطنان فلک زده از آن محل امن شان غرض تداوی به مراکز صحتی فرستاده شده اند؟ در حالیکه مراکز صحتی مبارزه با اعتیاد، بارها اعلان داشته اند که امکان تداوی همه معتادین را ندارد.

آیا آنان به مناطق دیگر پراکنده شده اند ؟

آیا مراکز دیگر تجمع معتادان در کابل و ولایات نیز مورد توجه قرار گرفته شامل پاک سازی می گردد؟

این سوالات هنوز جواب دریافت نداشته است. توقع برده می شود ارگان های مسوول وظیفه نجات هموطنان معتاد را منحصیث یک وظیفه وجدانی تا اخیر دنبال نموده با بسیج مردم و جلب کمک سرمایه داران، تاجران و دیگر اقشار مرفه در ریشه کن کردن اعتیاد و تداوی معتادان بذل مساعی نمایند تا این لکه ننگ از دامن جامعه ما زدوده شود.

سه : حاکمیت امریکائی - جهادی دو مسئله را به رخ مردم می کشد . یکی آزادی مطبوعات و رسانه ها و دیگری انکشاف معارف و تعلیم و تربیه.

در مورد آزادی مطبوعات باید متذکر شد با آنکه دستاوردهای معینی وجود دارد اما هنوز مطبوعات منحصیث رکن چهارم دولت و کنترل کننده و سمت دهنده ذهنیت مردم نتوانسته نقش خود را ایفا نماید . علت آنهم واضح است. سردمداران دموکراسی امریکائی تا حدی به آزادی مطبوعات میدان می دهند که منافع آنان را خدشه دار نسازد . همینکه به منافع و نیات شوم و اقدامات ضد ملی آنان انگشت گذاشته شود ، بی درنگ باعکس العمل جدی شان مواجه می گردد. ترور ژورنالستان ، لت و کوب و تحقیر آنان و عدم دسترسی به اطلاعات معضله بزرگیست که جامعه رسانه ها را از انجام درست وظایف باز داشته است.

اما در بخش معارف نه تنها تبلیغات یک طرفه دولت بی بنیاد است ، بلکه تدویر هزاران مکتب در منازل نامناسب کرائی ، در زیر خیمه ها و حتی در هوای آزاد ، نبود کتب و وسایل درسی ، میز و چوکی ، نبود معلمان مسلکی و تحصیل یافته ، حیف و میل بودجه معارف از جانب مسوولین ، ایجاد مکاتب تخیلی ، شاگردان تخیلی و معلمین تخیلی ، فجایع بزرگیست که از برکت آن امروز بیشتر از سه میلیون و هفت صد هزار کودک و نوجوان از رفتن به مکتب محروم اند و این تعداد به لشکر عظیم بی سوادان سوق داده شده اند.

در چنین حالت عملکرد سردمداران در بخش معارف نه تنها قانع کننده نیست بلکه این وضع فاجعه بار و شرم آور نیز است.

تا زمانیکه معارف کشور با زد و بند های تنظیمی و گروپی گره خورده است ، امکان بهبود در این عرصه بی نهایت ضعیف است. برای رشد و انکشاف معارف متوازن و تقلیل بی سوادی در کشور

بایست مسوولین مسلکی فارغ از زد و بند های سیاسی، تنظیمی، سمتی و گروهی در این عرصه گماشته شوند تا با دلسوزی بتوانند وضع را تغیر دهند و از لشکر عظیم بی سوادان بکاهند .

چهار : تهیه هژده ملیون برچسپ انتخاباتی ، ثبت پنجاه هزار نفر د مرکز ذخیره اطلاعاتی انتخابات و مراجعه چهار ملیون نفر در مراکز ثبت نام رای دهنده گان و اخذ تذکره های ورقی ، اعداد درهم و برهمیست که با هم همخوانی و تناسب ندارد

تجربه انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که با همه تخلف ها و تقلب ها در حدود هفت ملیون رای در صندوق ها ریخته شد. اینکه از این هفت ملیون چه تعداد بصورت مستقیم توسط شهروندان و چه تعداد توسط زور مندان و متقلبان بشمول گوسفندان امرخیلی در صندوق ها راه یافته اند هنوز معلوم نیست.

فرضا هفت ملیون رای ریخته شده در صندوق ها را هم معیار قرار دهیم ، هژده ملیون ورق چسپ برای چه ؟

اینکه از چهار ملیون ثبت نام ادعائی کمیسیون انتخابات صرف پنجاه هزار نفر د ذخیره ه معلوماتی کمیسیون ثبت گردیده چه را می رساند؟

معلوم است که این ارقام و اعداد ناجور و درهم و برهم فقط و فقط به تقلب و تخلف میدان می دهد و در انتخابات ماه میزان زمینه رسیدن زور مندان را به کرسی های پارلمان مهیا می سازد وبس! در غیر آن تناسب منطقی میان ثبت شده گان در ذخیره معلوماتی ، ثبت شده گان مراکز توزیع تذکره و چاپ ورقه های چسپ انتخاباتی وجود می داشت و با ارقام و اعداد ناجور و غیر دقیق ذهنیت ها آشفته نمی گردید .

باز هم بگذار چیزی که در دیگ است در چمچه نمایان گردد!

پنج : در شهر کابل بر علاوه انفجار و انتحار و استشهاد که از جانب دشمنان مردم هر روز سازماندهی می گردد و جان عده بی را می گیرد ، دزدی ، غارت ، آدم ربائی و جنایات دیگر نیز مردم را به ستوه آورده است.

طبق راپور پولیس کابل هشتاد و دو موتر در پانزده روز گذشته دزدی شده و بیست و دو تن از سرمایه داران و یا وابستگان شان از جانب آدم ربایان در دو ماه اخیر ربوده شده اند . بصورت مجموعی 360 حادثه جنائی در دو ماه اول سال جاری در کابل ثبت گردیده است .

این ارقام نشان دهنده آنست که در شهر کابل ، پایتخت افغانستان ، هیچ کسی مصئونیت و امنیت ندارد و هر روز جان شهروندان در خطر است.

این وضع بی کفایتی مسوولین امنیتی و ضعف و نا کارائی پولیس را به اثبات می رساند.

یقینا در شرایطی که فساد گسترده حاکم است و مسوولین حکومتی بجای کار هماهنگ و هدف مند به توطئه و دسیسه برضد مردم مصروف اند، نمی توان توقع داشت که جلو دزدی ، غارت و آدم ربائی را بگیرند و زمینه زیست مصئون و مطمئن با شنده گان شهر را فراهم نمایند.

در چنین حالت جز اینکه مردم با تشکل در سازمان های دفاع خودی در حراست از کوچه و محل خود بپردازند، راه موثر دیگری سراغ نمی گردد.

شش : یکی از معضله های جدی در سال های اخیر تجاوز جنسی، قتل های ناموسی، خود سوزی خانم ها و اذیت های خیابانی است.

در این اعمال شنیع از ملا تا دفتر دار و از دکاندار تا پیشه ور و از سرباز تا افسر متهم اند و حتی تجاوز بر محارم نیز دیده و شنیده شده است.

اخیرا رسانه ها اطلاع داد که پسر دوازده ساله یی در تکزار ولسوالی سان چارک ولایت سرپل توسط سه نفر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بعدا به قتل رسانیده شده و بر جسدش تیزاب پاشیده شده است.

این عمل و حشیانه و غیر انسانی اگر در میان قبایل وحشی و بدوی د ر قرون گذشته صورت می گرفت شاید زیاد مورد توجه قرار نمی گرفت . اما در قرن بیست ویک آنهم در مرکز یکی از ولسوالی هائیکه مردمش از فرهنگ خوب و سواد لازم برخوردار است ، انجام چنین عمل فاجعه بار، مایه ننگ و شرم است.

چرا چنین حوادث فاجعه بار رخ می دهد؟

به نظر می رسد بد آموزی فرهنگی از طریق فلم ها و سریال های بی محتوا، درهم ریزی اداره سنتی قبلی که معمولا قریدار ، ریش سفید و بزرگ محل می توانست جلوچنین حوادث را سد شود، فروریزی اخلاق سنتی و عنعنوی فامیلی و جانشینی اخلاق کاوبائی و بزن بهادری هالیودی ، بیکاری مزمن جوانان و بالاخره ضعف و بی کفایتی دستگاه امنیتی مخصوصا پولیس که در تعقیب و مجازات مجرمین معمولا کوتاه می آید و فساد مسلط در دستگاه عدلی و قضائی ، عواملی اند که وضع تاسف بار کنونی را بوجود آورده ، اطفال ، زنان و نوجوانان را با عدم مصئونیت مواجه نموده است.

رسانه ها ،جامعه مدنی ،روحانیون محلی و ریش سفیدان با تقبیح چنین اعمال می توانند در تقلیل جنایات و روشن ساختن ذهنیت جامعه نقش مهمی ایفا نمایند. شوراهای محلی از قریه تا ولسوالی و ولایت نیز می تواند در این زمینه نقش مثبتی ایفا نماید.بالاخره پولیس این نیروی بازدارنده حوادث و مسوول مصئونیت مردم بایست از وضعیت موجود بیرون آورده شود و وظیفه اصلی خود را که تامین نظم عامه و جلو گیری از جنایات است ، بتواند به شایستگی انجام دهد.

<http://afghan-danmark.dk/>